

عاقبت رئیس شورای سلطنت چه شد؟

۲۳ دی ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۲۶

روز ۲۳ دی ۱۳۵۷ و در آخرین روزهای حضور محمدرضا پهلوی در ایران، شورای سلطنت تشکیل شد. ریاست آن بر عهده سیدجلال‌الدین تهرانی گذاشته شد که با روحانیت ارتباط و دوستی داشت.

همزمان با دوره نخست‌وزیری شریف امامی به بعد، موضوع تشکیل شورای سلطنت بر سر زبان‌ها بود، اما شاه رضایتی به این امر نشان نمی‌داد. به ویژه علی امینی، نخست‌وزیر اسبق در ماه‌های آبان و آذر ۱۳۵۷ از شاه خواست به تشکیل شورای سلطنت رضایت دهد.

و در پی گسترش انقلاب و به ویژه پس از تظاهرات بزرگ تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ شاه به سراغ اجرایی کردن ایده علی امینی رفت. ظاهر امر این‌گونه نشان می‌داد که شاه برای اداره موقت کشور در غیاب خود این شورا را تشکیل داده است اما برخی شواهد نشان می‌دهد که این شورا وظیفه‌ای به مراتب مهم‌تر برعهده داشت.

آنچنان که بعدها گفته شد، این شورا موظف بود تا با امام خمینی تماس بگیرد و در صورت امکان با دادن امتیازاتی با ایشان به توافق برسد. شاه به عملکرد این شورا بسیار امیدوار بود و در اولین گام بر آن شد گروهی از چهره‌های سیاسی مذهبی شاخص در میان انقلابیون و برخی افراد خوشنام دیگر را برای برعهده گرفتن این مقام، معرفی و در واقع رضایت آنان را برای پذیرش این سمت جلب کند، اما پس از مدتی آشکار شد که هیچ‌یک از چهره‌های انقلابی در میان احزاب و گروه‌های مختلف حاضر به عضویت در آن نیستند، افرادی که در ۲۳ دی‌ماه ۱۳۵۷ برای عضویت در شورای سلطنت انتخاب شدند، عبارت بودند از: شاپور بختیار، نخست‌وزیر، محمد سجادی رییس مجلس سنا، جواد سعید رییس مجلس شورای ملی، علیقلی اردلان وزیر دربار، عبدالله انتظام، ارتشبد قره‌باغی، دکتر علی آبادی دادستان سابق کل کشور، محمدعلی وارسته و سیدجلال‌الدین تهرانی. که از میان این افراد، دکتر علی آبادی از همان ابتدا استعفای خود را نوشته، نزد آیت‌الله مطهری و شورای انقلاب گذاشته بود.

پس از بررسی‌های بسیار، شاه تصمیم گرفت ریاست شورای سلطنت را به شخصی واگذار کند که هم به روحانیت نزدیک بوده و هم مورد اعتماد دربار باشد و این چنین بود که شاه این مقام را به سیدجلال‌الدین تهرانی سپرد. تهرانی با علما رابطه خوبی داشت،

سید جلال‌الدین تهرانی در ۱۲۷۲ در تهران به دنیا آمد. پدرش سید علی شیخ‌الاسلام مرنندی از علما و رجال دینی بود. سید جلال

مدتی در مدرسه تربیت درس خواند سپس در مدرسه سپهسالار به تحصیل علوم دینی مشغول شد و لباس روحانیت بر تن کرد.

وی اساتید بزرگ زمان خود را درک نمود مرحوم حاج آقا مهدی منجم‌باشی در استخراج تقویم، آقا شیخ باقر گنابادی در عرفان، شیخ سعید خوئی در رمل، آقا میرزا محمود قمی در حکمت و الهیات، آقا داود عرب در جفر، آقا غلامحسین در عدد، میرزا ابراهیم در طب، میرزا نظام‌الدین خان در هندسه، میرزا محمود خان کوکب‌شناس در هیئت، میرزا علی‌اکبر خان در السنه خارجه، میرزا محمود خان پسر میرزا کاظم در شیمی، کمال‌الملک در نقاشی، میرزا اسدالله خان مازندرانی در نجوم و تعیین کواکب و مسیو نرنکل فرانسوی در حساب.

سید جلال در جوانی به مراتب عالی علمی رسید و مورد توجه بزرگان و دانشمندان قرار گرفت. در همان ایام رصدخانه‌ای در منزل خود دایر کرد و با اغلب رصدخانه‌های دنیا در ارتباط بود. وی با گذشت زمان در تهران معروفیت پیدا کرد و با افرادی چون سید حسن مدرس، میرزا حسن مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله، تیمورتاش و مؤتمن‌الملک حشر و نشر داشتند در ۱۳۰۱ از طرف مستوفی‌الممالک به معاونت وزارت معارف منصوب شد ولی آن سمت را نپذیرفت و به کار منجمی ادامه داد.

در ۱۳۰۷ که سید حسن مدرس، در منزلش از طرف سرتیپ درگاهی توقیف و تبعید شد. سید جلال هم آنجا بود و او را نیز بازداشت کردند و چندی در زندان به سر برد.

از ۱۳۰۷ نشریه‌ای به نام گاهنامه به صورت سالنامه منتشر کرد. وی در ۱۳۱۳ از طرف دولت به اروپا سفر کرد و در بروکسل و پاریس، تحصیلات خود را در رشته نجوم تکمیل نمود و مدتی در بروکسل به تدریس مشغول شد.

سید جلال در این دوران با دختری بلژیکی (در بعضی منابع سوئیسی) ازدواج کرد ولی از او صاحب فرزندی نشد. با مراجعت به ایران، در سال ۱۳۲۵ به خدمت در کارهای دولتی مشغول شد. از ۲۷ آبان ۱۳۲۶ تا یکشنبه ۲۵ آذر ۱۳۲۶ وزیر مشاور و معاون پارلمانی در کابینه قوام‌السلطنه بود. او از ۲۱ آبان ۱۳۲۸ وزیر مشاور و از ۱۶ آبان ۱۳۲۸ تا ۱۴ فروردین ۱۳۲۹ وزیر پست و تلگراف در کابینه ترمیمی محمد ساعد بود و در کابینه علی منصور از ۱۴ فروردین ۱۳۲۹ تا ۵ تیر ۱۳۲۹ وزیر پست و تلگراف و تلفن بود و پس از محسن صدر در شهریور ۱۳۳۰ به استانداری خراسان و تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد.

از ۲۳ بهمن ۱۳۳۲ تا تیر ۱۳۳۵ وزیر مختار و از آن تاریخ که سفارت به درجه سفارت کبری ارتقاء یافت تا ۲۰ بهمن ۱۳۳۶ سفیر کبیر ایران در بلژیک بود. از ۸ مهر ۱۳۳۷ تا ۲۷ اسفند ۱۳۳۸ سناتور انتصابی تبریز در دوره دوم و از ۳ فروردین ۱۳۳۹ تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ سناتور انتصابی تبریز در دوره سوم مجلس سنا بود. تهرانی برای بار دوم از ۱۷ دی ۱۳۴۰ تا ۱۴ فروردین ۱۳۴۲ به استانداری خراسان و نیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب گردید وی در این دوران منشأ خدماتی در سطح استان و آستان قدس رضوی شد و در جریان اصلاحات ارضی چون مخالف آن بود در سالن کشاورزی خراسان سخنرانی علیه این قانون ایراد کرد و بعد به تهران آمد و از استانداری خراسان و نیابت تولیت آستان قدس رضوی استعفا کرد.

در وقایع خرداد ۱۳۴۲ به لحاظ دوستی که با امام خمینی داشت اقدامات مؤثری در نجات وی به عمل آورد. سید جلال از ۱۴ مهر ۱۳۴۲ تا ۱۲ مهر ۱۳۴۶ سناتور انتصابی تهران در دوره چهارم مجلس سنا بود. وی با نخست‌وزیران انتخابی شاه، یعنی حسنعلی منصور و امیرعباس هویدا به مخالفت برخاست و غالباً به لویح دولت رأی کبود می‌داد. سید جلال تهرانی تنها سناتوری بود که به لایحه مصونیت مستشاران آمریکایی که بعداً به صورت قانون درآمد رأی مخالف داد. پس از اتمام دوره سناتوری دیگر شغلی به او داده نشد و چون سابقه اداری نداشت مستمری‌ای برای او تعیین گردید.

در سال ۱۳۵۵ دانشگاه بروکسل با وی قراردادی تنظیم و امضا کرد که تاریخ و سیر تحول نجوم را در مشرق زمین تدوین کند و برای انجام این امر علمی به اروپا رفت. در شهریور ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و در دی ماه ۱۳۵۷ در نخست‌وزیری شاپور بختیار که شاه آماده ترک ایران بود به عضویت و سپس به ریاست شورای سلطنت تعیین شد.

تهرانی بلافاصله پس از خروج شاه از ایران برای ملاقات با امام خمینی عازم پاریس شد. امام، ملاقات با سید جلال‌الدین تهرانی را موکول به استعفا از شورای سلطنت و اعلام غیر قانونی بودن آن کرد. وی در اول بهمن ۱۳۵۷ استعفا خود را به شرح زیر انتشار داد. «قبول ریاست شورای سلطنت ایران از طرف این جانب فقط برای حفظ مصالح مملکت و امکان تأمین آرامش احتمالی آن بود. ولی شورای سلطنت به سبب مسافرت اینجانب به پاریس که برای نیل به هدف اصلی بود تشکیل نگردید. در این فاصله اوضاع داخلی ایران سریعاً تغییر یافت به طوری که برای احترام به افکار عمومی با توجه به فتوای حضرت آیت‌الله العظمی خمینی دامت برکاته مبنی بر غیر قانونی بودن آن شورا، آن را غیر قانونی دانسته، کناره‌گیری کردیم. از خداوند و اجداد طاهرین و ارواح مقدسه اولیاء اسلامی مسئلت دارم که مملکت و ملت مسلمان ایران را در ظل عنایات حضرت امام عصر عجل الله فرجه از هر گزند مصون داشته و استقلال وطن عزیز ما را محفوظ فرمایند. محمد الحسینی سید جلال‌الدین تهرانی». تهرانی پس از کناره‌گیری از ریاست و عضویت شورای سلطنت، به ایران بازگشت و در فرانسه اقامت گزید تا اینکه در ۱۳۶۶ به بیماری سرطان درگذشت. جنازه او به ایران حمل گردید و در جوار روضه مبارکه رضویه در مشهد مقدس در کنار قبر مادرش به خاک سپرده شد.

وی مردی فاضل و دانشمند بود. علاوه بر تبحر در علوم مختلف شاعر و خطاط بود و به جمع‌آوری عتیقه و کتب خطی علاقه وافری داشت. پس از مرگ وی، بر اساس وصیتنامه، کلیه اموال از جمله منزل مسکونی‌اش در سه راه امین حضور، عتیقه‌ها، کتب خطی و رصدخانه تحویل آستان قدس رضوی شد.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۹۲۶۷/سلطنت-شورای-رئیس-عاقبت>